

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

Von Reinhard Lauterbach

برگردان و افزوده از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی

۰۳ فبروری ۲۰۱۷

حرکت آغازین از جانب مسکو

دولت روسیه با ابتکار عمل در سیاست خارجی موقعیت خود را استحکام بخشید.



همه چیز متروشکا: رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا "دونالد ترمپ"، دیگر سیاستمداران غربی و رئیس دولت

روسیه "ولادیمیر پوتین" در یک مغازه فروش لوازم تحفه در مسکو. -Foto: Sergei Karpukhin/Reuters

روسیه با ابتکار در سیاست خارجی در رابطه با دولت جدید ایالات متحده آمریکا خود را آماده ساخته است. چند روز قبل پیش از احراز مقام "دونالد ترمپ"، مسکو با دمشق توافقنامه درازمدتی را که استقرار نیروهای نظامی روسیه در سوریه است، امضاء کرد. این قرارداد به مدت ۵۰ سال اعتبار خواهد داشت و طبق این قرارداد روسیه اجازه دارد تا پایگاه نظامی هوایی در "لatakia" و تأسیسات نیروی بحری "طرطوس Tartus" را نه تنها حفظ کند، بلکه می تواند آن را به طور محسوس گسترش بدهد. پایگاه نظامی بندر "طرطوس" باید طوری گسترش داده شود که علاوه به استقرار ۱۱ کشتی جنگی بتواند همزمان با آن کنجایش استقرار کشتی های با عظمت دیگر را هم در آنجا به طور پایدار امکان پذیر بسازد. مطبوعات روسی گمان می کنند که بعد از گسترش پایگاه نظامی در بندر "طرطوس" حتماً تحت

البحری های اتمی روسی به زودی خواهند توانست تا موقعیت خود را در آنجا اتخاذ نمایند. در صورتی که این اقدامات واقعاً عملی شود، نمی توان در آن تغییر وارد نمود به این که بحیره مدیترانه در هر دو طرف آخر تنگنای خود توسط کنترل ناتو احاطه شده است. بنا بر این کمتر منطقی به نظر می رسد، که تحت البحری های ستراتیژیک را با آن توانائی هائی که دارند در چنان محلی متمرکز ساخت.

بنابراین عقد چنین قرار داد نظامی در واقع ارسال یک پیام سیاسی است که روسها می خواهند در شرق نزدیک به طور دائم حضور داشته باشند. اهمیت چنین تصمیمی تضمین مسکو به دولت سوریه تحت قیادت بشار اسد و یا جانشینان وی می باشد. روسیه در جریان جنگ سوریه چندین مرتبه واضح ساخت که وی دولت بشار اسد را که یک قدرت دولتی مشروع در سطح بین المللی است، حمایت می کند و نه این که بدون قید و شرط شخص خود اسد و یا هر یک از اهداف جنگی وی را. از این لحاظ پیام مقوله نامه پایگاه نظامی دراز مدت مسکو، در اساس خود متضمن موجودیت رژیم سوریه که غرب خواهان سقوط آن می باشد، بوده هیچ نوع تغییری رژیم در آن کشور را نمی پذیرد. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در این اواخر یعنی قبل از تغییر رژیم در کاخ سفید در تحلیلی از مبارزات در سوریه، اعتراف نموده است که روسیه "یک رقیب بسیار جدی" با "گسترش و توانائی های نظامی مهم و قابل توجه" است.

وزیر خارجه روسیه "سرگئی لاوروف" چند روز قبل موازی با توافق پیمان استقرار قوای نظامی با سوریه موقوف کشور خود را نسبت به اوکراین به نحوی مشخص کرد که می توان مبداء مذاکرات با ایالات متحده آمریکا را هم بر مبنای آن تفسیر کرد. "لاوروف" در مسکو گفت، روسیه علاقه مند به یک اوکراین غیر وابسته متکی به خود، آرام و "بلوک آزاد" است. حرف اساسی در اینجا "بلوک آزاد" به خاطری صرف نظر کردن اوکراین از اشتراک در ناتو است. ولی روابط وی با اتحادیه اروپا که ناشی از توافقتنامه ارتباطاتی میان کیف و اتحادیه اروپا است پا بر جای باقی می ماند، طوری که از دیگر نظرات روس ها واضح می شود، مسکو در این میان قرار داد ارتباطی میان کیف و اتحادیه اروپا را به حیث واقعیت موجود پذیرفته است. توضیحات مفصل فقط تحلیلی بود که "لاوروف" در این فرصت به "تفاهم نامه بوداپست" از سال ۱۹۹۴ که اوکراین طبق این سند، روسیه را به نقض آن متهم کرده است، ارائه داشته است. این توافقتنامه به اوکراین این تضمین را می داد که در ازای صرف نظر کردن از سلاح اتمی باقیمانده از دوران شوروی در خاکش، هیچ گاهی مورد حمله اتمی قرار نخواهد گرفت. بنابراین "لاوروف" به اساس بخشی از قرار داد، حمایت بدون قید و شرط را قبول ندارد.

در مقابل روسیه طبق قرارداد موظف نیست، تا به نتایج "کودتای نظامی مغایر قانون اساسی" در اوکراین به آنچه را که مبتکران آن به عنوان اولین مبارزه علیه زبان روسی و ساکنان روسی در کریمه شروع کردند، موافقت نماید. لذا مسکو با در نظرداشت اوضاع به خود این حق را می دهد تا زیر عنوان دفاع از روسها و متکلمان زبان روسی در خارج از روسیه، به نفع آنها مداخله نماید. مسکو حاضر نیست تا در مورد پذیرش کریمه با وی صحبت شود. به عکس اوکراینی ها، "لاوروف" تمایل ناگهانی تصرف و الحاق کریمه را با ارائه اسناد، تمسخر و تکذیب نموده می افزاید، در آنجا در این میان "چیزی نیست که کشور پیش رفته بتواند با آن منفعتی به دست بیاورد، هرگاه اوکراین بخواهد تا یک قسمتی از جهانی روسی باشد، آمدنش را قبلاً خوش آمدید می گوئیم. آنها می توانند به طرف روسیه برگردند. در چنان حالی حرکت تجزیه طلبانه در اوکراین حمایت نخواهد شد. در نتیجه احتمال معامله با "جمهوریت های خلق" "دون باس" مطرح خواهد شد.

افزوده:

خوانندگان عزیز!

تا جایی که اطلاع داریم "Budapester Memorandum" توافقنامه بوداپست که بر اساس قرارداد ۵ دسامبر ۱۹۹۴ بوداپست که به امضای امریکا، انگلستان، روسیه و رئیس جمهور آن وقت اوکراین رسید، کشور های مربوط به اتحاد جماهیری شوروی آنزمان، قزاقستان، روسیه سفید و اوکراین در این توافقنامه از داشتن سلاح اتمی صرف نظر کرده و در مقابل از جانب ایالات متحده امریکا، انگلستان و روسیه وعده داده شد تا حاکمیت سرحدات و به همین ترتیب استقلال سیاسی و اقتصادی آنها را که ضامن اجرای این سند محسوب می شود، به آن توجه نمایند. کشور های غربی روسیه را متهم می سازند که با الحاق کریمه خلاف "تفاهم نامه بوداپست" مصوب سال ۱۹۹۴ مبنی بر تضمین حاکمیت و یک پارچگی اوکراین علیه استقلال سیاسی و حاکمیت این کشور اقدام کرده است. الحاق کریمه نقض تمامیت ارضی اوکراین توسط روسیه می باشد.

به گزارش از وزارت خارجه روسیه، به عکس اتهاماتی که علیه آنها صورت گرفته است، با صدور بیانیه ای از نقش امریکا و اتحادیه اروپا در "کودتای اوکراین" انتقاد کرده و آنها را سهام در کودتای "کیف" می داند. امریکا و اتحادیه اروپا بودند که خلاف تفاهم نامه بوداپست عمل کردند و علیه استقلال سیاسی این کشور اقدام نمودند. طوری که ما شاهد اوضاع در اوکراین بودیم، نخست امریکا و اتحادیه اروپا بودند که شورشگران و جاسوسان خود را به اوکراین فرستادند. همچنین اقدامات امریکا و اتحادیه اروپا در تحریم رهبران اوکراین در زمان نا آرامی های این کشور بود که گروهی از فاشیست های المان را در میدان استقلال کیف فرستادند تا شرایط و اوضاع را به منافع و امیال امریکا و کشورهای غربی به خصوص کشور المان دگرگون نمایند و اهداف آنها را که از جمله یکی به رسمیت شناختن حکام جدید این کشور که با نقض قانون اساسی به قدرت رسیده بودند، برآورده بسازند. تا جایی که از جریان وقایع بر می آید در ظاهر امر الحاق کریمه به روسیه توسط فرزندوم و به توافق خلق کریمه صورت گرفته است. ولی ناگفته نباید گذاشت که کشور های امپریالیستی در صدد هستند تا جهت تحقق اهداف خود با اتکاء به چال و فریب، دروغ و عوامفریبی علیه هم دیگر خلقها را از بیان حقایق به دور نگهدارند و با جنگ های زرگری، آنها را به اصطلاح عقب نخود سیاه بفرستند و خود به شکلی از اشکال مشترکاً به اعمال استعماری و جنایتکارانه شان علیه خلق ها ادامه بدهند.

, Seite 6 / [AuslandAusgabe vom 27.01.2017](#)Aus: